



سفنان
دکتر میرو
علیار



پیام
مصطفی
هجری



دکتر
شرفکندی
رهبری و...



گفتگو
با مسن
شرفی



۱۱ سپتامبر
بعد از ۱۲
سال

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۶۱۳، یکشنبه، ۳۱ شهریور ۱۳۹۲، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

دادگاه میکنونوس، پیروزی عدالت، حقیقت و امید



ایران بدین مناسبت نیز از سوی "سربست شهابی" جانشین دبیر اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران قرائت شد. متن کامل سخنان دکتر میرو علیار در این مراسم، در صفحه‌ی ۴ این شماره آمده است.

احزاب و سازمان‌های دیگر نیز با ارسال پیام‌های جداگانه‌ای به این مراسم، همدردی خود را به مناسبت سالگرد شهادت این رهبر توانمند حزب دمکرات و ملت کرد ابراز نموده بودند. همچنین پیام مشترک سازمان‌های زنان، دانشجویان و جوانان دمکرات کردستان

جریان‌هایی در تروریست بودن جمهوری اسلامی ایران شک و شبهه‌ای داشتند، بعد از اعلام حکم این دادگاه، آن شک و شبهه نیز از بین رفت و بر همگان آشکارتر شد که تروریسم دولتی، به بخشی اساسی از سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است."

برگزاری مراسم سالگرد ترور د.شرفکندی در مقر دفتر سیاسی حدکا به مناسبت بیست و یکمین سالگرد ترور دکتر شرفکندی و همراهانش، روز سه‌شنبه ۲۶ شهریورماه در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در کویه مراسم برگزار گردید.

این مراسم که با حضور اعضای رهبری، پیشمرگان و اعضای حزب دمکرات و خانواده‌های آنان در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران برگزار شد، با اجرای سرود ملی "ای رقیب" و ادای احترام به شهیدان راه آزادی کردستان آغاز گردید.

سیس "د.میرو علیار" عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران سخنانی بدین مناسبت ایراد نمود.

آقای علیار در سخنانش اشاره کرد: "آمده‌ایم تا این جنایت هولناک علیه ملت کرد و حزب دمکرات را محکوم نماییم، انزجار خود را از تروریسم اعلام داریم و اجازه ندهیم که این ظلم و جنایت فجیع جمهوری اسلامی ایران علیه ملت کرد به دست فراموشی سپرده شود."

علیار در رابطه با شخصیت دکتر صادق گفت: "دکتر سعید شرفکندی رهبری بود که پس از شهادت دکتر قاسملو اجازه نداد برچشم مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی حزبمان بر زمین بیفتد و نگذاشت توطئه‌های رژیم علیه ملت کرد به سرانجام برسند." ایشان همچنین افزودند: "اگر تا قبل از اعلام حکم دادگاه میکنونوس، افراد یا

سفنان

ناهید حسینی

میکنونوس

جمهوری اسلامی از همان نخستین روزهای زمامداری ملامال از جنایت و شرمساری‌اش، نه تنها در داخل کشور، بلکه در خارج از مرزهای خود نیز ده‌ها بار اقدام به ترور و حذف فیزیکی مخالفین خود نموده و بی پروا از هر پرنسیپ و قانونی تنها در فکر حفظ و تداوم حکومت نامشروع و ضد مردمی خود بوده است.

در ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۷۱ خورشیدی، برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی، در رستوران میکنونوس شهر برلین آلمان، در اقدامی تروریستی دکتر صادق شرفکندی، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، فتاح عبدلی عضو کمیته‌ی مرکزی و نماینده‌ی حزب در خارج از کشور، همایون اردلان نماینده‌ی حزب در آلمان و همچنین نوری دهکردی دوست و همراه حزب و فعال سیاسی ایرانی را به رگبار گلوله بسته و ترور نمودند.

دادگاه آلمان در مدت زمان نزدیک به چهار سال تحقیقات پیرامون این پرونده، علیرغم فشارهای همه جانبه از سوی جمهوری اسلامی جهت متوقف نمودن و یا به انحراف کشاندن مسیر دادرسی، متعهدانه اقدام نموده و نهایتاً پس از ۲۴۷ جلسه دادرسی و ادای شهادت ۱۷۰ نفر، مسئولین رده بالای جمهوری اسلامی را به عنوان طراح و صادرکننده‌ی فرمان ترور میکنونوس متهم نمود. این اولین بار بود که رژیم ایران و مسئولین رده‌بالای آن به دلیل تروریسم دولتی متهم شناخته شدند. با صراحت می‌توان گفت دادگاه میکنونوس پس از دادگاه نورنبرگ که در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۴۵ و بعد از جنگ جهانی دوم که جهت رسیدگی به پرونده ۲۲ تن از رهبران آلمان نازی به اتهام کشتار دسته‌جمعی بیش از ۵۰ میلیون یهودی تشکیل شد، مهمترین دادگاهی بود که در کشور آلمان برگزار شد.

این اقدام شجاعانه‌ی دادگاه میکنونوس علیرغم اینکه موجب کسب اعتباری بین‌المللی برای دادگاه آلمان شد، بار شرمندگی تاریخی را نیز بر دوش کشور اتریش و دادگاه وابسته‌ی آن نهاد. حکم دادگاه میکنونوس ارتباط میان ایران و آلمان و حتی دیگر کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا را نیز با بحران مواجه کرد و جمهوری اسلامی دیگر نتوانست بدون واهمه از واکنش جامعه‌ی جهانی برای ترور مخالفان خود در اروپا اقدام نمایند.

اسرائیل: برای ایران دیگر دیر شده است

گفته است که برای مذاکره با ایران بر سر برنامه اتمی این کشور دیگر دیر شده و این مذاکرات فایده‌ای ندارد. این مقام اسرائیلی ادعا کرده که ایران می‌تواند ظرف ۶ ماه آینده به نخستین بمب اتمی خود دسترسی پیدا کند.

اشتاینیتز همچنین افزود: "ایرانی‌ها با توجه به فقدان یک سناریوی تهدیدآمیز، تصور می‌کنند که می‌توانند مانور بدهند. این که آمریکا و اسرائیل تنها اشاره کنند که یک حمله نظامی ممکن است، کفایت نمی‌کند."

نخست‌وزیر اسرائیل با اشاره به امکان تسهیل تحریم‌های ایران از سوی آمریکا به دلیل بروز نشانه‌هایی از انعطاف در دولت حسن روحانی گفت، فشار بر ایران تا توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم به جای کاهش باید افزایش یابد.

نخست‌وزیر اسرائیل، حسن روحانی را به فریب افکار عمومی متهم می‌کند. به گزارش خبرگزاری آلمان، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل روز جمعه (۲۰ سپتامبر، ۲۹ شهریور) با اشاره به یکی از مصاحبه‌های اخیر رئیس‌جمهور جدید ایران گفته است: «ما نباید با کلمات فریبنده رئیس‌جمهور ایران به تاریکی کشانده شویم. او همه چیز را وارونه نشان می‌دهد تا سانسورهای همچنان به چرخش خود ادامه دهند.»

بنیامین نتانیاهو هشدار داده است که رژیم ایران می‌خواهد تنها بخش کم‌اهمیتی از برنامه اتمی خود را تعطیل، اما توان تولید سلاح اتمی خود را حفظ کند. همزمان "یسووال اشتاینیتز" وزیر اطلاعات و امور استراتژیک اسرائیل نیز در مصاحبه‌ای با یک روزنامه اسرائیلی

عفو بین‌الملل: اعدام کردها را در ایران متوقف کنید

به بخش اجرای احکام فرستاده شده است. یکی از مقام‌های زندان به‌طور غیررسمی به متهمان اطلاع داده که احکام اعدام آنها در روزهای آینده اجرا خواهد شد.

عفو بین‌الملل می‌گوید اطلاع یافته که این متهمان در دوران بازداشت و پیش از محاکمه شکنجه شده و زیر فشار و تهدید، متن‌هایی را امضا کرده‌اند بدون آنکه از محتوای آن‌ها اطلاع داشته باشند."

عفو بین‌الملل از اعضای خود و فعالان حقوق بشر خواسته با ارسال نامه به مقام‌های ایرانی، خواستار توقف اجرای احکام اعدام این چهار نفر و محاکمه مجدد آنها براساس استانداردهای قضایی عادلانه شوند.

عفو بین‌الملل با انتشار اطلاعیه‌ای از خطر اعدام قریب‌الوقوع چهار شهروند کرد در ایران خبر داده است. این چهار نفر می‌گویند، در دوران بازداشت شکنجه شده و از دسترسی به وکیل مدافع نیز محروم بوده‌اند.

جمشید دهقانی و برادر کوچک‌ترش جهانگیر دهقانی، حامد احمدی و کمال مولایی در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۰ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب محاکمه شده‌اند. این چهار متهم در حالی که از حق وکیل مدافع محروم بودند، به اتهام‌هایی چون "محاربه" و "فساد فی‌الارض" به اعدام محکوم شدند.

عفو بین‌الملل در اطلاعیه خود می‌نویسد، این چهار نفر به تازگی اطلاع یافته‌اند که احکام اعدام آنها در دیوان عالی کشور تأیید و پرونده‌شان

برگزاری مراسم سالگرد ترور دکتر شرفکندی و همراهانش در مرکز ۳ کردستان



به مناسبت ۲۶ شهریورماه، بیست و یکمین سالگرد ترور دکتر صادق شرفکندی و همراهانش، در مرکز ۳ کردستان مراسمی برگزار شد.

به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز چهارشنبه بیست و هفتم شهریورماه ۱۳۹۲، به مناسبت بیست و یکمین سالگرد ترور دکتر شرفکندی و همراهانش، مراسمی با حضور پیشمرگان، اعضای حزب و خانواده‌های آنان در مرکز ۳ کردستان برگزار گردید.

مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی

کردستان آغاز گردید.

سپس پیام مرکز ۳ کردستان بدین مناسبت از سوی "قاسم کلشی" عضو این مرکز قرائت گردید.

در بخش دیگری از مراسم، پیام اتحادیه‌های زنان و جوانان از سوی "سنور حیرانی" قرائت گردید.

در ادامه‌ی مراسم، چندین قطعه شعر و سرود از سوی گروه جوانان مرکز ۳ کردستان و گروه هنری حزب دمکرات کردستان ایران اجرا گردید.

دیدار آقای مصطفی هجری با ماموستا عزیز محمد، شخصیت سرشناس کرد



دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در شهر اربیل با ماموستا عزیز محمد، شخصیت سرشناس و میهن پرست کرد دیدار کرد.

به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز پنج‌شنبه بیست و یکم شهریورماه، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات به منظور اطلاع از وضعیت سلامتی "عزیز محمد"، شخصیت برجسته و سرشناس ملت کرد در اربیل با وی دیدار کرد.

آقای هجری در این دیدار، ضمن اطلاع از وضعیت سلامتی ماموستا عزیز محمد، دبیرکل

سابق حزب شیوعی عراق، در رابطه با وضعیت فعلی کردستان و رویدادها و تحولات منطقه با ایشان به بحث و تبادل نظر پرداخت.

ماموستا عزیز محمد، ضمن استقبال گرم و صمیمی از دبیرکل حزب و ابراز خرسندی از این دیدار، تلاش حزب دمکرات کردستان ایران را برای نزدیکی هر چه بیشتر احزاب و نیروهای کردستان ایران و همکاری و روابط متقابل میان آنان، اقدامی مهم و با ارزش ارزیابی نمود.

اعتراض شهروندان سنندج به کمبود شدید نان



پس از کاهش سهمیه آرد نانوائی‌ها و تعطیلی تعدادی از نانوائی‌های سطح شهر سنندج، کمبود شدید و درازمدت نان در این شهر اعتراض شهروندان را در پی داشت. به گزارش وبسایت ایران کارگر، کمبود نان در سطح شهر سنندج که به دنبال کاهش سهمیه آرد نانوائی‌ها به وقوع پیوسته است به شدت به معضلی برای شهروندان مبدل گشته است. کمبود و گاه نبود نان در نانوائی‌ها در سنندج باعث ایجاد نارضایتی در میان شهروندان بخصوص ساکنین شهرک‌های حاشیه‌نشین شده

است، اما تاکنون مسئولین حکومتی پاسخی به شهروندان معترض نداده‌اند. مسئولین ادارات مربوطه‌ی رژیم نظیر سازمان تعزیرات و اداره غله و همچنین اداره‌ی آرد استان کردستان علیرغم نارضایتی شدید مردم، تاکنون پاسخی مشخص به آنان نداده‌اند. پیشتر نیز در اوایل خردادماه سال جاری، موجی از کمبود نان، سرتاسر ایران به ویژه شهرهای کردنشین از جمله اشنویه و بیرانشهر را فرا گرفته بود.

مراسم ۲۶ شهریورماه، بیست و یکمین سالروز ترور دکتر شرفکندی و همراهانش در مرکز یک کردستان برگزار شد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز پنج‌شنبه ۲۸ شهریورماه، مراسم بیست و یکمین سالگرد ترور دکتر شرفکندی و همراهانش با حضور شماری از پیشمرگان، اعضا و کادرهای حزب دمکرات کردستان ایران و خانواده‌های آنان در مرکز یک کردستان واقع در "دیگه‌له" برگزار گردید.

مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و ادای احترام به شهدای راه آزادی کردستان آغاز گردید.

سپس "طاهر کسبلی"، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات و مسئول مرکز یک کردستان پیام این مرکز را قرائت نمود.

در بخش بعدی این مراسم، پیام کمیته‌های

اتحادیه‌های جوانان و زنان دمکرات کردستان

ایران از سوی "آویهر شیخی" قرائت شد.

همچنین پیام کمیته‌ی حزب دمکرات — کمپ کاوه بدین مناسبت قرائت شد.



در خلال این مراسم چندین قطعه شعر و سرود نیز از سوی شاعران پیشمرگ و گروه هنری حزب دمکرات کردستان ایران به اجرا درآمد.

دیدار هیأت کومله از دفتر نمایندگی حزب دمکرات در اربیل



سرپرستی "محمد صالح قادری" عضو کمیته‌ی مرکزی و مسئول این دفتر مورد استقبال قرار گرفت.

آقای قادری ضمن ابراز خرسندی از این دیدار صمیمانه، انتخاب "صادق زندی" را به عنوان مسئول دفتر نمایندگی کومله در اربیل به وی تبریک گفت.

در این دیدار، طرفین ضمن بحث و گفتگو

هیأت حزب کومله به سرپرستی "صادق زندی" عضو دفتر سیاسی و مسئول دفتر نمایندگی حزب در شهر اربیل از دفتر نمایندگی حدکا دیدار نمود.

به گزارش کوردستان میدیا، روز بیست و یکم شهریورماه هیأت حزب کومله کردستان ایران در دیدار از دفتر نمایندگی حزب دمکرات در اربیل، از سوی هیأتی به

پیرامون مسائل مهم منطقه، ایران و کردستان و تحولات در هر کدام از بخش‌های کردستان، بر لزوم گسترش و تحکیم روابط و همکاری‌های اجزای کردی در هر چهار بخش کردستان تأکید نمودند.

در خاتمه نیز طرفین ابراز امیدواری کردند که این دیدارها زمینه‌ی همکاری گسترده‌تر میان این دو حزب را فراهم کند.

درگیری مردم و نیروهای رژیم در پیرانشهر



ساکنین این منطقه از سوی نیروهای رژیم ایران به وقوع پیوست که شهروندان خواسته‌اند آنان را به منظور فروش به اقلیم کردستان ببرند.

پس از بازگرداندن اجباری احشام به روستا از سوی نیروهای انتظامی رژیم ایران در میان ساکنین روستا و نیروهای رژیم ایران درگیری فیزیکی ایجاد شده و تعدادی از ماشین‌های این نیروها نیز توسط مردم در هم شکسته شدند.

به دنبال درگیری میان نیروهای رژیم ایران با ساکنین یکی از مناطق پیرانشهر، نیروهای رژیم مجبور به عقب‌نشینی و بازگشت به مقرهای خود شدند.

به گزارش کوردستان میدیا، سه‌شنبه ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۹۲، در میان نیروهای انتظامی رژیم ایران، مستقر در هنگ "چپانه" و ساکنین روستای "قبر حسین" از توابع پیرانشهر درگیری به وقوع پیوست. این درگیری پس از مصادره‌ی احشام

در این درگیری، نیروهای رژیم ایران اقدام به تیراندازی و شلیک کردند، اما نتوانستند ساکنین روستای "قبر حسین" را متفرق کنند و در نتیجه‌ی فشار مردم، نیروهای انتظامی رژیم مجبور به عقب‌نشینی و خروج از روستا شدند.

ساکنین این روستا توانستند احشام ضبط‌شده را از نیروهای رژیم ایران پس بگیرند اما چهار رأس از این احشام توسط نیروهای رژیم تلف شدند.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

طبیعت هورامان در خطر تخریب



را ندارند و تنها دامداران این روستا حق استفاده از این پوشش گیاهی را دارند". این اقدام افراد وابسته به رژیم، اعتراض اهالی روستای اسپریز را به دنبال داشته است. این در حالی است که بر اساس قانون، کوچکترین اشتباه در برابر طبیعت و ثروت‌های طبیعی، جرمه و احکام شدید را به دنبال دارد، اما رژیم مانع تخریب پوشش گیاهی و به آتش کشیدن پوشش گیاهی منطقه توسط افراد وابسته به خود نمی‌شود.

حرکت مشکوک، سپاه پاسداران رژیم ایران را مطلع کنید". این عشایر با اجازه‌ی این فرد وابسته به رژیم ایران به مراتع و پوشش گیاهی "اسپریز" و کوه شاهو وارد شده و بی‌رحمانه زیان و ضرر زیادی را به این منطقه وارد کرده‌اند. در همین رابطه یکی از شهروندان منطقه‌ی هورامان عنوان کرده است: "مراتع و پوشش گیاهی کوه شاهو ملک هیچ کسی نیست و نه تنها افراد وابسته به رژیم ایران، بلکه شهروندان این روستا نیز حق معامله با این ثروت طبیعی

مراتع و پوشش گیاهی روستای "اسپریز" در استان کردستان، با دخالت افراد وابسته به رژیم در معرض تخریب و نابودی قرار دارد. به گزارش کوردستان میدیا، مدتی است یک فرد وابسته به رژیم در روستای "اسپریز" مراتع و پوشش گیاهی این روستا در کوه شاهو را به مبلغ ۳ میلیون تومان به جمعی از عشایر منطقه‌ی کرمانشاه کرایه داده است. این فرد وابسته به رژیم که نام وی نزد وبسایت کوردستان میدیا محفوظ می‌باشد، به عشایر گفته است: "در صورت هر گونه

"تاریخچه‌ی جنبش‌های ملی کرد" تجدید چاپ شد

یکی از آثار دکتر صادق شرفکندی تحت عنوان "تاریخچه‌ی جنبش‌های ملی کرد" که در سال ۱۳۶۰ به رشته‌ی تحریر در آمده است، برای بار دوم چاپ و انتشار یافت.



به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، تایپ و چاپ دوباره‌ی این کتاب را کمیته‌ی انتشارات اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران برعهده داشته است. عنوان کامل کتاب، "تاریخچه‌ی جنبش‌های ملی کرد از قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم" می‌باشد که در ۱۶۸ صفحه تجدید چاپ گردیده است. دکتر صادق شرفکندی در دوران عضویت

بازداشت یک شهروند کرد از سوی نیروهای اطلاعات



نیروهای اداره اطلاعات رژیم ایران در پیرانشهر، یک شهروند را بازداشت کردند. به گزارش کوردستان میدیا، روز بیست و پنجم شهریورماه ۱۳۹۲، یک شهروند کرد اهل پیرانشهر به نام "اسعد صوفی‌زاده" توسط نیروهای اداره اطلاعات رژیم ایران بازداشت گردید. اتهام این شهروند از سوی نیروهای امنیتی رژیم ایران، "امنیتی و فعالیت سیاسی" اعلام شده است و تاکنون از سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست.

خانواده‌ی صوفی‌زاده در خصوص اطلاع از سرنوشت فرزندشان به اداره اطلاعات رژیم ایران در پیرانشهر مراجعه کرده‌اند اما هیچ پاسخی دریافت نکرده‌اند. بر طبق آمار ثبت‌شده در وبسایت کوردستان میدیا، از اوایل شهریورماه سال جاری تاکنون، ۴۲ شهروند کرد در کردستان ایران به اتهام‌های "امنیتی" و "فعالیت مذهبی" توسط نیروهای نظامی و اطلاعاتی رژیم ایران بازداشت شده‌اند.

مخالفت مردم قزلقویی مه‌باد با احداث قرارگاه بسیج



قرار دادن یک قطعه زمین جهت احداث قرارگاه درخواست کرده‌اند که یک قطعه زمین برای احداث پایگاه بسیج در اختیار آنان قرار دهند، اما این درخواست از سوی ساکنین پذیرفته نشده است. نیروهای رژیم ایران مجبور شدند در مسجد روستا بمانند. نیروهای رژیم ضمن بی‌احترامی به ساکنین روستا، از مسجد این روستا برای استراحت استفاده کرده‌اند.

نیروهای رژیم ایران از مردم روستای "قزلقویی" درخواست کرده‌اند که یک قطعه زمین برای احداث پایگاه بسیج در اختیار آنان قرار دهند، اما این درخواست از سوی ساکنین پذیرفته نشده است. به گزارش کوردستان میدیا، روز بیست و چهارم شهریورماه ۱۳۹۲، نیروهای نظامی رژیم وارد روستای "قزلقویی" از توابع مه‌باد شده و از ساکنین برای در اختیار

خلع سلاح افراد رژیم در یکی از روستاهای مه‌باد



این روستا نیرو مستقر کنند. مردم روستای "خورخوره"، ضمن خلع سلاح افراد وابسته به رژیم، آنها را مجبور به خروج از روستا کردند.

به گزارش کوردستان میدیا، چند روز پیش، نیروهای رژیم به منظور استقرار پایگاه بسیج وارد روستای "خورخوره" از توابع مه‌باد شدند. این اقدام رژیم با واکنش روستاییان مواجه شده و اهالی این روستا اجازه ندادند نیروهای رژیم در

موفقیت دو پیشمرگ ورزشکار حدکا در سطح اقلیم کردستان



کردستان ایران شرکت داشتند. در ششمین دوره‌ی این رقابت‌ها، "سیامک بهمنی" در وزن ۹۰ کیلوگرم جایگاه دوم و "شورش الله‌ویسی" در وزن ۸۰ کیلو مقام سوم را به خود اختصاص دادند. رقابت ورزشی "ووشو کونگ‌فو" هر دو سال یکبار در اقلیم کردستان برگزار می‌شود.

تیم ورزشی در استان دهوک آغاز شد و در این مسابقات "سیامک بهمنی" و "شورش الله‌ویسی" دو کونگ‌فوکار اهل کردستان ایران و پیشمرگ حزب دمکرات توانستند موفقیت‌هایی کسب کنند.

در این مسابقات که در ۱۰ وزن مختلف برگزار گردید، بیش از ۲۰۰ ورزشکار حضور داشتند و از مجموع این تعداد، ۶ ورزشکار از

دو پیشمرگ ورزشکار حزب دمکرات کردستان ایران توانستند در ورزش "ووشو کونگ‌فو" که در سطح اقلیم کردستان برگزار شد، موفق به کسب عناوین برتر شدند.

به گزارش کوردستان میدیا، رقابت‌های "ووشو کونگ‌فو" روز چهارشنبه بیستم شهریورماه در اقلیم کردستان با شرکت ۲۶

ادامه‌ی محرومیت روستاهای ایلام



مسئولین، تاکنون این مشکل اساسی حل نشده است. در همین رابطه، بیشتر روستاهای شهرستان دهلران در جنوب استان ایلام با مشکل کمبود امکانات روبرو هستند و هیچ نهاد و سازمانی، خود را مسئول و پاسخگو نمی‌داند. وضعیت جاده، برق، آب آشامیدنی، بهداشت و سلامت در روستای "سمانه" از توابع "دشت عباس" شهرستان دهلران بسیار نامناسب می‌باشد و علیرغم پیگیری ساکنین این روستا، مراکز مربوطه‌ی رژیم هیچ گونه اقدامی در راستای حل این مشکلات انجام نداده‌اند. وضعیت بیشتر روستاهای منطقه‌ی "دشت عباس" مانند "ابوغویر و چم هندی" مشابه روستای سمانه است.

مسئولین رژیم ایران وعده‌ی احداث سالن ورزشی را به جوانان این روستا داده‌اند، اما تاکنون هیچ‌گونه امکانات رفاهی و ورزشی در این روستا برای ساکنین و علاقمندان به ورزش مهیا نگردیده است. در این روستا برای پسران تا مقطع راهنمایی و برای دختران تنها در مقطع ابتدایی مدرسه وجود دارد و این نیز باعث ترک تحصیل بسیاری از دانش‌آموزان می‌شود. در رابطه با اشتغال‌زایی و بهداشت و درمان، این روستا با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌باشد و هیچ طرحی برای اشتغال جوانان وجود ندارد. ساکنین این روستا بارها نسبت به کمبود آب آشامیدنی به نهادهای رژیم ایران مراجعه و اعتراض نموده‌اند، اما علیرغم وعده‌های

عدم خدمات‌رسانی و نبود امکانات رفاهی، ساکنین یکی از روستاهای حومه‌ی ایلام را با مشکل مواجه کرده است و مسئولین رژیم ایران در این رابطه علیرغم دادن وعده‌های زیاد تاکنون پاسخگو نبوده‌اند. به گزارش خبرگزاری مهر، روستای "مهدی‌آباد" در ۵ کیلومتری ایلام، با جمعیتی بالغ بر یک هزار و ۷۰۰ نفر یکی از روستاهای ایلام می‌باشد که ساکنین آن از کمبود امکانات رفاهی و عدم خدمات‌رسانی رنج می‌برند. با توجه به اینکه در این روستا نزدیک به ۳۵۰ خانوار زندگی می‌کنند، تاکنون بسیاری از کوچه‌های این روستا آسفالت و جدول‌بندی نشده‌اند. علیرغم اینکه مدت چند سال می‌باشد که

متن سخنان دکتر میر و علیار، عضو دفتر سیاسی حزب

در مراسم سالگرد شهادت دکتر شرفکندی و همراهانش

مهمانان گرامی، رفقای مبارز و قتلان بخیر!

روز ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی، دکتر صادق شرفکندی دبیر کل وقت حزبمان، فتاح عبدلی نماینده‌ی حزب در خارج از کشور، همایون اردلان نماینده‌ی حزب در آلمان و نیز نوری دهکردی فعال سیاسی و دوست حزب دمکرات در رستوران "میکونوس" شهر برلین توسط تیم آدمکشی جمهوری اسلامی ایران ترور شدند.

امروز، یکبار دیگر در اینجا گردهم آمده‌ایم تا یاد و خاطره‌ی آن رهبر فرهیخته و رفقایش را گرامی بداریم و مبارزات و فداکاری‌های آنان را پاس بداریم.

آمده‌ایم تا آن جنایت هولناک علیه ملت کرد و حزب دمکرات را محکوم نماییم، انزجار خود را از تروریسم اعلام داریم و اجازه ندهیم که این ظلم و جنایت فجیع جمهوری اسلامی ایران علیه ملت کرد به دست فراموشی سپرده شود.

در اینجا به نمایندگی از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، خدمت تمامی مهمانان ارجمند خیرمقدم عرض می‌نمایم و حضور گرم شما، مهمانان، همراهان و رفقای بزرگوار را در این مراسم ارج می‌نهم.

دکتر صادق شرفکندی معروف به دکتر سعید، رهبر فرزانه و توانمندی بود که پس از ترور رهبر والامقام، دکتر عبدالرحمان قاسملو، رهبری حزب دمکرات را بر عهده گرفت و اجازه نداد که بیرق مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی حزبمان بر زمین بیفتد و نگذاشت توطئه‌های رژیم علیه ملت کرد به سرانجام برسند و دشمنان ملت کرد شادمان شوند.

شایستگی و عزم راسخ دکتر شرفکندی به مثابه خاری در چشم رهبران جمهوری اسلامی بود و همین امر باعث شد دستور ترور و حذف ایشان را صادر کنند.

در تاریخ مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی ملتمان، پدیده‌های تلخ توأم با پیامدهای بسیار، بارها تکرار شده‌اند.

هر زمان که دشمن توانسته باشد رهبری جنبشی را ترور نماید، به دنبال آن، جنبش نیز دچار فروپاشی و شکست شده است. جمهوری اسلامی نیز دقیقاً به همین دلیل، دکتر قاسملو را ترور نمود، اما زنده‌یاد دکتر سعید با درایت خاص خود اجازه نداد تجربه‌ی تلخ «مرگ رهبر، پایان مبارزه» تکرار شود و این افتخار بزرگ را به نام خود رقم زد و برگ زرین دیگری را به مبارزه و مقاومت ملت کرد افزود.

با ترور دکتر صادق شرفکندی، دشمن زخم عمیق و دردناکی بر پیکره‌ی حزب دمکرات و ضربه‌ی سنگینی را به جنبش آزادیخواهانه کردستان ایران وارد نمود، اما هدف اصلی رژیم از ترور این رهبر فرزانه که فروپاشی و از میان بردن حزب دمکرات و جنبش کردستان ایران بود، تحقق نیافت و در آینده نیز محقق نخواهد شد.

برعکس، این اقدام تروریستی، مردم کردستان به ویژه جوانان را هوشیارتر نموده و حس ملی‌گرایی و اندیشه‌ی آزادیخواهی را در آن‌ها نیرومندتر نمود.

از سوی دیگر، حکم دادگاه برلین که به دادگاه می‌کونوس معروف گردید و در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ میلادی اعلام شد، به معنای واقعی کلمه به فاجعه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران مبدل گشت: - دادگاه «میکونوس» در تصمیمی شجاعانه و با استناد به مدارک بسیار مستند، طرح‌های تروریستی جمهوری اسلامی ایران را افشا نموده و به عنوان رژیمی تروریستی به افکار عمومی جهان معرفی نمود.

در حکم دادگاه می‌کونوس آمده است: «در زمان تحقیقات، مشخص شد که زمامداران جمهوری اسلامی، نه تنها اقدامات و توطئه‌های تروریستی را تصویب می‌کنند و به شیوه‌های غیرقابل باور، تروریست‌ها را تشویق نموده و ارج نهاده و پاداش می‌دهند، بلکه ترور انسان‌هایی را طرح‌ریزی می‌کنند که تنها به دلیل داشتن افکار و عقاید سیاسی خاصشان، مورد غضب و انتقام قرار گرفته‌اند. آن‌ها، مخالفان خود را نیز تنها به منظور صیانت از حکومت خود از بین می‌برند».

اگر تا قبل از اعلام حکم دادگاه می‌کونوس، افراد یا جریان‌هایی در تروریست بودن جمهوری اسلامی ایران شک و شبهه‌ای داشتند، بعد از اعلام حکم این دادگاه، آن شک و شبهه نیز از بین رفت و بر همگان آشکارتر شد که تروریسم دولتی، به بخشی اساسی از سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. لازم به یادآوری است که حکم دادگاه می‌کونوس مانند حکم دادگاه‌های عادی چند هفته‌ای و دادگاه‌های فرمایشی از جمله دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران نبود. حکم دادگاه می‌کونوس به حق نام «حکم تاریخی»، بر آن گذاشته شد.

دادگاه می‌کونوس در قلمرو حقوقی آلمان، یکی از کشورهای بسیار دمکرات و پیشرفته‌ی دنیا برگزار شد. دادگاهی مستقل و معتبر که یکی از پرهزینه‌ترین دادگاه‌های تاریخ آلمان به شمار می‌رود و ۵-۳ سال به طول انجامید و در این مدت، ۱۷۰ نفر به عنوان شاهد به دادگاه احضار شدند و مورد پرسش قرار گرفتند. شاهدان این پرونده، تنها از میان اپوزیسیون انتخاب نشده بودند، بلکه بسیاری از آنان طرفدار رژیم ایران یا بیطرف بودند و بسیاری دیگر نیز متخصص و تحصیل‌کرده‌ی امور سیاسی و تروریسم بودند.

گرانقیمت‌ترین و کلای آلمانی را برای وکالت قاتلان انتخاب کرده بودند. تا آنجا که اطلاع دارم، برای نخستین بار بود که دادگاهی در یک کشور، رهبران کشور دیگری را که زمام امور آن کشور را در دست دارند، به سازماندهی و اجرای

جنایاتی متهم نماید.

دادگاه علناً مسئولیت برنامه‌ریزی و انجام عملیات ترور رهبران حزب دمکرات را متوجه "کمیته‌ی ویژه‌ی عملیات برون‌مرزی" دانسته و صراحتاً اسامی اعضای این کمیته را که مسئول قتل و از بین بردن رهبران و فعالان اپوزیسیون بودند، ذکر نمود: علی خامنه‌ای، رهبر وقت و فعلی رژیم، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت و رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه‌ی وقت و مشاور کنونی خامنه‌ای در امور خارجی، علی فلاحیان، وزیر اطلاعات وقت و عضو فعلی مجلس خبرگان، محسن رضایی، فرمانده‌ی وقت سپاه پاسداران که در بالاترین مناصب زمامداری رژیم قرار دارند.

حکم دادگاه می‌کونوس نه تنها روابط آلمان و ایران، بلکه روابط میان ایران و اتحادیه‌ی اروپا را نیز دستخوش بحران دیپلماتیک شدیدی کرد که آثار آن تاکنون نیز پابرجاست.

در ۱۷ آوریل ۱۹۹۷، یک هفته پس از صدور حکم دادگاه، پارلمان آلمان نشستی برگزار نمود. در آن روز نمایندگان تمامی فراکسیون‌ها در رابطه با رأی دادگاه می‌کونوس سخن گفتند و به اتفاق، تروریسم جمهوری اسلامی را تقبیح و حمایت خود را از استقلال دادگاه برلین اعلام نمودند. در پروتکل نشست آن روز پارلمان آلمان آمده است که: "تمام حضار در سالن کف زدند". این کف زدن به منزله‌ی تأیید حکم شجاعانه‌ی دادگاه برلین بود. ۱۴ دیپلمات ایرانی از جمله حسین موسویان، سفیر ایران و امانی فراهانی، سرکنسول رژیم در برلین اخراج شدند. در ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ میلادی در لوکزامبورگ نشست وزرای خارجه‌ی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا این جنایت جمهوری اسلامی ایران را به اتفاق آراء محکوم کرد، سفیران خود را از ایران فرا خوانده و روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را به حالت تعلیق در آوردند.

اتحادیه‌ی اروپا پس از تحمیل کلیه‌ی



شرایط خود به ایران، سفیران خود را به ایران بازگرداند.

هانس یواخیم اریک، وکیل خانواده‌های قربانیان می‌گوید: "تا قبل از برگزاری دادگاه می‌کونوس، اروپا برای تروریست‌های ایرانی که پاسپورت دیپلماتیک در جیب داشتند، تبدیل به شهر بی‌قانون و بی‌بازخواست شده بود، اما رأی دادگاه می‌کونوس، زمین زیر پای تروریست‌ها را یکپارچه آتش و تبدیل به مکانی پرخطر نمود".

اروپا با استناد به مدارک معتبر موجود، جمهوری اسلامی را به زانو درآورد و آن را متعهد نمود که از آن پس در خاک اروپا دست به اقدامات تروریستی نزند.

شفاف‌سازی در رابطه با ترور وین نیز از نتایج این پرونده بود. اگرچه از همان روز نخست برای ما و بسیاری دیگر تردیدی در این نبود که زنده‌یاد دکتر قاسملو و یارانش به دست تروریست‌های جمهوری اسلامی به شهادت رسیده‌اند، اما دولت وقت اتریش اجازه نداد دادگاهی برای رسیدگی و تحقیق درباره‌ی این جنایت برگزار شود و جنایات جمهوری اسلامی از سوی دادگاه آشکار گردد، اما حکم دادگاه برلین این بی‌عدالتی را جبران نمود و جنایت ترور وین به دست جمهوری اسلامی را نیز افشا نمود.

در حکم دادگاه می‌کونوس پس از توضیحاتی مفصل در رابطه با نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در جنبش کردستان ایران، آمده است که: "برای خاموش کردن این صدا (حدکا)، رهبری سیاسی ایران تصمیم گرفت که رهبری حدکا را نه تنها از لحاظ سیاسی سرکوب کند، بلکه نسبت به حذف آن نیز اقدام نماید. قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو، رهبر وقت حدکا در ۱۳ جولای ۱۹۸۹ در وین و جنایتی که در اینجا محکوم شده (ترور دکتر سعید) از نتایج این تصمیم بودند. خط سرخ و خونینی که رویدادهای وین و برلین را به یکدیگر وصل می‌کند، آشکارتر از آن است که دیده نشود".

باید بگویم که حکم دادگاه شفاف‌تر و صریح‌تر از آن است که جای تردیدی باقی گذاشته باشد.

غلبه‌ی عدالت، حقیقت و امید بر

دیکتاتوری و یأس از دیگر پیامدهای این حکم بود. در طول تاریخ همواره دیکتاتورها و مستبدین کوشیده‌اند که عدالت را خفه کرده، حقیقت را انکار نموده و امید به آینده را در قلب‌های آزادیخواهان بمیرانند، اما موفق نشده و نخواهند شد. زورگویان می‌توانند انسان‌ها را بکشند، اما در برابر عدالت، حقیقت و امید مستأصل و درمانده هستند و روزی گرفتار پنجه‌های عدالت خواهند شد. امید، همواره خود را بر جور و جهل و نادانی تحمیل خواهد کرد.

دوستان گرامی!

در سخنانم اشاره‌ای به نظر دادگاه می‌کونوس درباره‌ی نقش و تأثیر حزب دمکرات در جنبش کردستان ایران داشتم. اینکه مردم در رابطه با حزب من توقعات و انتظارات ویژه‌ای دارند، جای بسی افتخار است، اما نه تنها کار ما را آسان نمی‌کند، بلکه برعکس، وظیفه و مسئولیت سنگین‌تری را برعهده‌ی ما می‌گذارد، به ویژه اکنون که تحولات در منطقه با شتابی خیره‌کننده روی داده و در تمامی بخش‌های کردستان، مبارزه به انحای گوناگون در جریان است، نیروهای سیاسی کرد در برابر یک آزمون تاریخی مهم قرار گرفته‌اند.

رسالت ما اعضا، هواداران و دلسوزان جنبش آن است که با تلاش و کوشش مداوم خویش کاری کنیم که حزب دمکرات کردستان همچنان پاسخگوی توقعات و اعتماد مردم بماند و همچون دژی تسخیرناپذیر برای مبارزه‌ی رهایی‌بخش ملت کرد پایرجا بماند و در سطح بین‌المللی نیز روی آن حساب باز کنند.

حزب دمکرات بایستی تا دستیابی به آرمان‌های والای ملتمان، همچنان به ایفای نقش تاریخی خود ادامه دهد و با همکاری و همصدایی با سایر نیروهای سیاسی، جنبش رهایی‌بخش کردستان ایران را به اهدافش نزدیک کند.

چشم‌انداز مبارزات رهایی‌بخش ملت کرد روشن است، با تأمین و حفظ اتحاد و مبارزه‌ی بی‌وقفه می‌توان به پیروزی نائل گردید. اجازه ندهیم یأس و نومیدی همچون دشمن بزرگ آزادی، وظایفمان را از یادمان ببرد.

حزب دمکرات بارها دچار مصیبت، شکست و فراز و نشیب شده است، اما هربار با تجربه‌تر از قبل، بحران‌ها را پشت سر گذاشته و پس از هر تنگنایی سرفرازانه به پا خاسته و قلب دشمنان ملت کرد را به لرزه انداخته است.

رمز پایداری، رشد و گسترش حزب دمکرات در آن است که حزبی پویا و دمکراتیک، توانمند و دارای ظرفیت‌های لازم برای تطبیق دادن خود با زمان و اوضاع سیاسی جدید و چالش‌های جدید است، به همین دلیل توانسته است همچون دژ، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم با قامتی استوار بایستد و سر فرود نیاورد.

در بیست و یکمین سالگرد فاجعه‌ی می‌کونوس یکبار دیگر با راه و مکتب دمکرات تجدید پیمان می‌کنیم و برآنیم که تا تحقق حقوق انسانی و سیاسی و ملیمان ادامه‌دهنده‌ی راه رهبران شهیدمان باشیم. زندگی و مبارزات قاضی، قاسملو و شرفکندی چراغ راه مبارزاتمان است.

گرامی باد یاد رهبر گرانقدردان دکتر صادق شرفکندی
درد بر روان پاک رفقایمان فتاح عبدلی، همایون اردلان و نوری دهکردی
زنده باد آزادی، پاینده باد مبارزه در راه آزادی
سپاسگزارم

روزانه

توافق سوری

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

روزنامه نیویورک تایمز، مقاله‌ای تحت عنوان "توافق سوری" درباره‌ی توافقنامه‌ی آمریکا و روسیه بر سر موضوع سلاح‌های شیمیایی در این کشور منتشر نمود که توسط هیأت تحریریه‌ی روزنامه به نگارش درآمده است. در لید مقاله آمده است: "توافقنامه‌ی آمریکا - روسیه جهت زدودن پایگاه‌های تسلیحات شیمیایی سوریه، در مقایسه با حمله‌ی محدود نظامی که رئیس‌جمهور اوباما آنرا مطرح کرد، به طور چشمگیری اثرگذارتر بوده و شانس بهتری برای رفع تهدید مذکور می‌باشد." در پاراگراف اول به این امر اشاره شده که اجرای این توافقنامه بستگی به همکاری بشار اسد دارد که نیروهایش مسئول کشتار اکثریت عظیمی از صد هزار کشته‌ی جنگ داخلی این کشور هستند. بر اساس توافقنامه، سوریه موظف است طی یک هفته لیست پایگاه‌های تسلیحات شیمیایی، انبارها و مکان‌های تولید و تحقیقات مربوطه را ارائه دهد و لازم است بازرسان سازمان ملل متحد دسترسی "فوری و نامحدودی" به این مکان‌ها داشته باشند و در نوامبر کار بازرسی کاملاً خاتمه یابد. همچنین کلیدی تسلیحات شیمیایی و ابزارهای مربوطه باید تا اواسط ۲۰۱۴ از بین برده شوند.

در بخش دیگری ضمن اشاره به گفته‌ی اوباما مبنی بر این که گزینه‌ی حمله‌ی نظامی کشورش به سوریه هنوز بر سر میز است، آمده است: "رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین با این حرکت دیپلماتیک بدون تردید موقعیت خود را در خاورمیانه ارتقا بخشید، اما اکنون از این لحاظ مورد انتقاد قرار گرفته که قبلاً هیچوقت مطمئن نبوده که اسد از سلاح شیمیایی استفاده نمی‌کند. پوتین خط ممیزی به دور گازهای سمی کشیده است، اما خودخواهانه و ضداخلاقی خواهد بود اگر به تجهیز اسد به سلاح‌های سنگین ادامه دهد که غالب قربانیان غیرنظامی سوری با این سلاح‌ها کشته شده‌اند.

برزیدنت اوباما به تمرکز بر حمایت از ممنوعیت بین‌المللی تسلیحات شیمیایی و کنار گذاشتن اقدام نظامی در حال حاضر به سود حل دیپلماتیک اعتماد کرده است. بحران سوریه باید این امر را به رئیس‌جمهور جدید ایران، حسن روحانی نشان دهد که آقای اوباما که از احتمال اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران سخن گفته است، در مورد حل دیپلماتیک جدی می‌باشد. اینکه اوباما آشکار ساخت که با روحانی به طور غیرمستقیم تبادل پیام داشته‌اند، عاملی امیدبخش بوده است." در پایان مقاله این گونه نتیجه‌گیری شده است: "موضوعات نامشخص بسیاری در پیش است؛ از جمله اینکه دولت آمریکا برای حمایت از پوزیسون سوریه چه اقدامی خواهد کرد. اکنون که روسیه و ایالات متحده آمریکا به توافقی رسیده‌اند، آمیدی در این رابطه هست که همکاری عامل مساعدی جهت پیشبرد صلحی فراگیر برای سوریه باشد."

منبع:

Newyorktimes.com

پیام مصطفی هجری، دبیر کل حزب

به چهارمین جشنواره‌ی تابستانی کودکان "نرگس"



کشتار کودکان و حبس بزرگترهای آنان هستند، همان‌هایی هستند که در سرایش سرنگونی و سقوط قرار گرفته‌اند. با اطمینان می‌توان گفت که ملت کرد با این درجه از آگاهی و هوشیاری سیاسی که بدان دست یافته است، با مبارزات مستمر و خستگی‌ناپذیر خود، کودکان را تحت فشار و سرکوب و خشونت و محرومیت نیز پرورش داده و آگاهی سیاسی آنان را ارتقاء می‌بخشد تا بهتر بتوانند در مبارزه برای دستیابی به حقوقی که از آنان سلب شده است، شرکت نموده و بتوانند به این حقوق نائل شوند، شما کودکان عزیز که در چهارمین جشنواره‌ی کانون نرگس حضور دارید، نمونه‌ی زنده‌ای بر صحت این مدعا هستید. شاید دشمنان ما در افکار و برنامه‌هایشان چنین تصور کنند که کودکان ما همواره به دلیل همین درگیری و زندگی ناگوار، در سایه‌ی ماتم و سرکوب و ارباب رژیم‌ها نخواهند توانست به پا خیزند، لیکن تلاش‌ها و فعالیت‌های جاری در تمامی بخش‌های کردستان، به ویژه برای کودکان بیانگر آن است که علیرغم ارباب و سرکوب‌ها، پیشرفت در راستای دستیابی به اهداف همچنان ادامه دارد. اطمینان داریم که دست‌کم بخش زیادی از سستی که بر شما کودکان امروز ما و ملتمان روا داشته می‌شود، در بزرگسالی برطرف خواهد

بازگشته و در کانون گرم خانواده‌هایشان پرورش می‌یابند. مقاومتی که در تمامی بخش‌های کردستان جریان دارد، بیانگر آن است که توطئه‌ی دشمنان برای آواره کردن مردم و کودکان کرد، توانسته است که آنان را به اهدافشان برساند، بلکه این مصائب و رنج‌ها هر اندازه که شدیدتر باشند، حس میهن‌پرستی، مبارزه و مقاومت برای دستیابی به حقوق ملت کرد و درهم شکستن رژیم‌های دیکتاتوری حاکم بر بخش‌های کردستان را بیشتر تقویت نموده‌اند. به همین دلیل، نسلی که اینک در تمامی بخش‌های کردستان برای دستیابی به حقوق ملی مبارزه می‌کند، خواستار آن است که ملت کرد و کودکان کرد بیش از این آواره و دریدر نشده و بتوانند در میهن خویش همانند تمامی ملت‌های سعادتمند امروز، زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشند، اینان پرچم مبارزه را دست دارند و حتی برای یک لحظه هم اجازه نداده‌اند که این پرچم بر زمین بیفتد. به ویژه در عصر کنونی شاهد آن هستیم که با وجود تداوم آلام و رنج‌های ملت و کودکانمان و ادامه‌ی آوارگی و ترک خانه و کاشانه‌ای که همگی به آن تعلق داریم، خوشبختانه در تمامی بخش‌ها می‌بینیم که دشمنان ملتمان و کسانی که در صدد هراس‌افکنی در دل ملت کرد،

دوستان گرامی!

مسئولان بخش‌های مختلف پرورش کودکان! حضور شما را در این فستیوال گرامی می‌داریم، خود را مفتخر می‌دانم که در چهارمین فستیوال کانون نرگس برای کودکان شرکت کرده‌ام، فستیوالی که با شعار "همگان فرزندان یک میهن هستیم" آغاز شده است. بدیهی است که این شعار در عمل نیز به اجرا درآمده و کودکان هر چهار بخش کردستان در این فستیوال گرد هم آمده‌اند، بدون تردید یکی از رنج‌ها و مصائب شدیدی که جامعه‌ی ما در تمامی بخش‌های کردستان با آن روبروست، در رابطه با کودکان می‌باشد. کودکان در شرایطی آواره می‌شوند که در تحولات منطقه، در جنگ و صلح هیچ نقش و تأثیری ندارند، اما قربانی ستم و زورگویی جنگ‌افروزان منطقه شده‌اند که هر بار در بخشی از کردستان تقسیم شده به گونه‌ای و به دلیل سلطه‌ی دیکتاتورها مجبور به ترک سرزمین و زادگاه خود و پذیرش رنج آوارگی می‌شوند. شاید یکی دیگر از ویژگی‌های جشنواره‌ی چهارم کودکان نرگس این باشد که شمار زیادی از کودکان کردستان سوریه تحت تأثیر جنگی که حکومت بعث سوریه علیه تمامی مردم سوریه به ویژه مردم کرد به راه انداخته است، آواره شده و از زادگاه، خانه، بستگان و عزیزان خود دور شده‌اند. تمامی دیکتاتورها در هر برهه‌ای به گونه‌ای خواسته‌اند که با توسل به سرکوب و ارباب و تخریب کردستان و آواره نمودن مردم این سرزمین، مردم کرد را از مبارزه در قبال مطالبات خویش که خواست‌های اولیه‌ی زندگی امروزی جهان مرفعی هستند، بازداشته و به سکوت وادارند. کودکان را کشتار نموده، زنان و مردان را انفال و سرزمینشان را ویران کرده‌اند، این سرنوشتی است که به درازای چندین دهه، بزرگ و کوچک و به ویژه کودکان کرد آن را تجربه نموده‌اند. همین کانون نرگس که این فستیوال را برگزار نموده، خود نیز مرکزی برای کودکان آواره‌ی اهل کردستان ایران است، در کردستان عراق نیز همان گونه که همگان مطلع هستیم، برای مدت ده‌ها سال مردم این بخش از کردستان به همراه کودکانشان آواره‌ی کشورهای همسایه به ویژه ایران شده و ده‌ها سال در این کشور در غربت و آوارگی به سر برده‌اند، اما خوشبختانه اکنون به آغوش میهن و زادگاه خویش



دکتر شرفکندی، رهبری و مدیریت

شکوفه قبادی

ترجمه: عادل مرادی

باشند.

عدم وجود اصول اخلاقی در یک رهبر باعث می‌شود که:

_تنها هدفی مد نظر باشد که منفعت شخصی رهبر را در خود دارد.

_کنترل و تأثیرگذاری بر اعضا به خاطر علاقه‌ی شخصی رهبر یا رهبران می‌باشد.

_انجام کارها تنها به سود خودشان می‌باشد و نه سود سازمان.

_شیوه‌ی مدیریت آکتوریتر (دیکتاتوری) هیچ احساس مسئولیتی نسبت به مطالبات و خواسته‌های اعضا وجود ندارد.

_نظرات و دیدگاه‌های اعضا مورد انتقاد و سانسور قرار می‌گیرد.

_ارتباط یک‌طرفه می‌باشد به گونه‌ای که تنها از بالا به پائین وجود دارد.

_تقاضا کردن و انتظار داشتن که تمام تصمیمات طبق خواست رهبر یا رهبری انجام پذیرد و کنترل همه‌ی بخش‌ها به شیوه‌ای آشکار ضروی می‌باشد.

_از اعضا اطاعت کورکورانه انتظار می‌رود.

این شیوه‌ی رهبری باعث می‌شود بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری اعضا نسبت به مسائل و اتفاقات درون سازمان رشد و گسترش یابد.

ویژگی از خودگذشتگی و ایثار در راه دستیابی به اهداف را می‌توان در شخصیت دکتر قاسملو و دکتر سعید به وضوح یافت.

اکنون با نگاهی به گذشته و مقایسه‌ی شرایط و امکانات آن زمان، اکثر معیارهای یک رهبری کارزماتیک را که از اصول اخلاقی نشأت می‌گیرند، در شخصیت و شیوه‌ی رهبری دکتر قاسملو و دکتر سعید می‌بینیم. با کودکان و بزرگسالان به مانند خودشان رفتار می‌کردند.

در انجام کارها پشتکاری مثال‌زدنی داشتند و در هنگام فراغت، با دوستان و همسنگران خود مزاح می‌کردند و بسیار صمیمی و دوستانه برخورد می‌کردند. به هنگام صرف غذا در سالن، آن‌ها نیز همانند دیگر پیشمرگ‌ها در سالن حضور یافته و با آن‌ها غذا را صرف می‌کردند و هرگز اجازه نمی‌دادند که میان رهبری و اعضا فاصله ایجاد شود.

در زمان تصمیم‌گیری بسیار جدی و قاطع بودند و چون با ارزیابی و از روی آگاهی و دانش تصمیمات را اتخاذ می‌کردند، در اجرای تصمیماتشان بسیار جدی بودند یا به عبارتی دیگر، در قبال پیامدهای تصمیمات خود، احساس مسئولیت می‌کردند و خود را مسئول می‌دانستند.

یکی دیگر از ویژگی‌های دکتر قاسملو و دکتر سعید، سرمایه‌گذاری در رابطه با پرورش سرمایه‌های انسانی حزب بود. چه بسیار که با دوستان و آشنایان خود تماس گرفته و از آن‌ها می‌خواستند که به عضویت حزب درآیند زیرا می‌پنداشتند که حزب می‌تواند از توانایی‌ها و دانش آن افراد بهره‌جویی یا آن افراد می‌توانند وظایف این‌صورت، از آن‌ها می‌خواستند که حتی اگر عضو حزب هم نباشند، اما کاری برای حزب انجام دهند. به نظر من، این امر از اعتماد به نفس و باور آن‌ها به خود و مردم نشأت می‌گرفت.

لازم است این نکته را نیز بدانیم که این بدین معنا نیست که رهبران شهیدمان هیچ اشتباهی مرتکب نشده‌اند و در زمان رهبری آن بزرگواران، تمام کارها به خوبی انجام پذیرفته‌اند. به عقیده‌ی من، ایجاد فرهنگ تقدس جایز نیست و مطلوب‌ترین شیوه‌ی انجام کارها، نظاره کردن گذشته با دیدی منتقدانه و مقایسه‌ی پیامدهای عملکردمان می‌باشد تا از آن‌ها عبرت گرفته و اشتباهات را تکرار نکنیم و این را نیز بدانیم که همه‌ی انسان‌ها مرتکب اشتباه می‌شوند.

وجود داشته باشد و یکی از وظایف رهبر کاریزما می‌باشد که زمان بسیاری را برای فرموله نمودن آن هدف صرف نماید.

بخش دیگری از وظایف رهبر، این است که به گونه‌ای با اعضا رفتار نماید که اعضا به شیوه‌ای شفاف بتوانند منافع خود را با منافع سازمان یکی بدانند و در نتیجه، برای دست یافتن به آن تلاش نمایند.

ویژگی دیگر رهبر کاریزما، داشتن قدرت ریسک می‌باشد. اعتماد به نفس و احساس مسئولیت نسبت به اعضا نیز از ویژگی‌های یک رهبر کاریزما می‌باشند که این ویژگی‌ها در شخصیت رهبران شهید ما به وضوح وجود داشتند.

ویژگی دیگر رهبر کاریزما این است که در ارتباط با پیرامون خود بتواند عکس‌العمل‌ها را بسیار سریع ارزیابی نموده و آن‌ها را بشناسد و از آن‌ها آگاه باشد.

البته در تاریخ از برخی رهبران کاریزما مانند هیتلر و استالین نیز سخن به میان می‌آید که برای جامعه انسانی بزرگترین زیان‌ها را به همراه داشته‌اند.

در دانش مدیریت از رهبران کارزماتیک سازنده و رهبر کارزماتیک ویرانگر بحث می‌شود.

این دو شیوه، ویژگی‌های یکسان بسیاری با هم دارند و می‌توان گفت که بزرگترین تفاوت آن‌ها وجود یا عدم وجود اصول اخلاقی می‌باشد:

وجود اصول اخلاقی باعث می‌شود که یک رهبر:

_تلاش نماید برای ایجاد علاقه‌ای عمومی در میان اعضا که بتوانند نیت و ارزش خود را در اهداف ببینند.

_تلاش برای پرورش قدرت خلاقیت و توانایی انتقاد سازنده.

_به شیوه‌ای صحیح، روابط سازمان داده شوند تا اعضا بتوانند را خود به شیوه‌ای مثبت پرورش دهند.

_اعضا برای پذیرفتن انتقادهای مثبت یا منفی و با داشتن سعه‌ی صدر پرورش می‌یابند.

_اعضا توانایی‌های همکاران خود را پذیرفته و برتر بودن یکی بر دیگری را از لحاظ توانایی به راحتی می‌پذیرند.

_رهبری، هرگونه اطلاعات و آگاهی را در اختیار اعضا قرار می‌دهد.

_ارزش‌ها و اصول مشترکی در میان اعضا وجود دارد که باعث می‌شود اعضا سازمان به فعالیت‌های عمومی، منفعت گروهی و جامعه‌علاقه داشته و منفعت گروهی را ارجح می‌دانند.

_تلاش می‌شود که اعضا، خود مدیریت اجرای کارهای خود را بر عهده داشته

باشند.

وجود داشته باشد و یکی از وظایف رهبر کاریزما می‌باشد که زمان بسیاری را برای فرموله نمودن آن هدف صرف نماید.

بخش دیگری از وظایف رهبر، این است که به گونه‌ای با اعضا رفتار نماید که اعضا به شیوه‌ای شفاف بتوانند منافع خود را با منافع سازمان یکی بدانند و در نتیجه، برای دست یافتن به آن تلاش نمایند.

ویژگی دیگر رهبر کاریزما، داشتن قدرت ریسک می‌باشد. اعتماد به نفس و احساس مسئولیت نسبت به اعضا نیز از ویژگی‌های یک رهبر کاریزما می‌باشند که این ویژگی‌ها در شخصیت رهبران شهید ما به وضوح وجود داشتند.

ویژگی دیگر رهبر کاریزما این است که در ارتباط با پیرامون خود بتواند عکس‌العمل‌ها را بسیار سریع ارزیابی نموده و آن‌ها را بشناسد و از آن‌ها آگاه باشد.

البته در تاریخ از برخی رهبران کاریزما مانند هیتلر و استالین نیز سخن به میان می‌آید که برای جامعه انسانی بزرگترین زیان‌ها را به همراه داشته‌اند.

در دانش مدیریت از رهبران کارزماتیک سازنده و رهبر کارزماتیک ویرانگر بحث می‌شود.

این دو شیوه، ویژگی‌های یکسان بسیاری با هم دارند و می‌توان گفت که بزرگترین تفاوت آن‌ها وجود یا عدم وجود اصول اخلاقی می‌باشد:

وجود اصول اخلاقی باعث می‌شود که یک رهبر:

_تلاش نماید برای ایجاد علاقه‌ای عمومی در میان اعضا که بتوانند نیت و ارزش خود را در اهداف ببینند.

_تلاش برای پرورش قدرت خلاقیت و توانایی انتقاد سازنده.

_به شیوه‌ای صحیح، روابط سازمان داده شوند تا اعضا بتوانند را خود به شیوه‌ای مثبت پرورش دهند.

_اعضا برای پذیرفتن انتقادهای مثبت یا منفی و با داشتن سعه‌ی صدر پرورش می‌یابند.

_اعضا توانایی‌های همکاران خود را پذیرفته و برتر بودن یکی بر دیگری را از لحاظ توانایی به راحتی می‌پذیرند.

_رهبری، هرگونه اطلاعات و آگاهی را در اختیار اعضا قرار می‌دهد.

_ارزش‌ها و اصول مشترکی در میان اعضا وجود دارد که باعث می‌شود اعضا سازمان به فعالیت‌های عمومی، منفعت گروهی و جامعه‌علاقه داشته و منفعت گروهی را ارجح می‌دانند.

_تلاش می‌شود که اعضا، خود مدیریت اجرای کارهای خود را بر عهده داشته

باشند.

وجود داشته باشد و یکی از وظایف رهبر کاریزما می‌باشد که زمان بسیاری را برای فرموله نمودن آن هدف صرف نماید.

بخش دیگری از وظایف رهبر، این است که به گونه‌ای با اعضا رفتار نماید که اعضا به شیوه‌ای شفاف بتوانند منافع خود را با منافع سازمان یکی بدانند و در نتیجه، برای دست یافتن به آن تلاش نمایند.

ویژگی دیگر رهبر کاریزما، داشتن قدرت ریسک می‌باشد. اعتماد به نفس و احساس مسئولیت نسبت به اعضا نیز از ویژگی‌های یک رهبر کاریزما می‌باشند که این ویژگی‌ها در شخصیت رهبران شهید ما به وضوح وجود داشتند.

ویژگی دیگر رهبر کاریزما این است که در ارتباط با پیرامون خود بتواند عکس‌العمل‌ها را بسیار سریع ارزیابی نموده و آن‌ها را بشناسد و از آن‌ها آگاه باشد.

البته در تاریخ از برخی رهبران کاریزما مانند هیتلر و استالین نیز سخن به میان می‌آید که برای جامعه انسانی بزرگترین زیان‌ها را به همراه داشته‌اند.

در دانش مدیریت از رهبران کارزماتیک سازنده و رهبر کارزماتیک ویرانگر بحث می‌شود.

این دو شیوه، ویژگی‌های یکسان بسیاری با هم دارند و می‌توان گفت که بزرگترین تفاوت آن‌ها وجود یا عدم وجود اصول اخلاقی می‌باشد:

وجود اصول اخلاقی باعث می‌شود که یک رهبر:



مشارکت دارند. رهبری می‌کوشد که همه‌ی توانایی‌های بالقوه را بالفعل نماید و هر کسی که به یاری نیاز داشته باشد، یاریش نماید. انتقادها به شیوه‌ی انجام کار است، شخص خاصی را هدف قرار نمی‌دهد. رهبر و رهبری تلاش می‌نمایند که کارها به نحو احسن انجام پذیرند و مشکلات به شیوه‌ای مناسب و از طریق درک متقابل حل و فصل شوند. این شیوه‌ی رهبری، مطلوب‌ترین نتیجه را دربرداشته است. در این شیوه جو موجود میان گروه، حس همکاری، صمیمیت و دوستی بسیار مطلوب می‌باشد.

• آخرین شیوه‌ی رهبری این است که رهبر و رهبری منفعل می‌باشد. تا از آن‌ها سؤال نشود، راهنمایی و آگاهی به اعضا نمی‌دهند. رهبری از کار هیچ کس انتقاد نمی‌کند و هر کس آن گونه که بخواهد کار می‌کند و مشکلات هم بدون پیدا کردن راه حلی برای رفع آنها همچنان باقی می‌مانند و رفع نمی‌شوند. در این گروه، هیچ کس حس آرامش و راحتی ندارد و همه ناراضی هستند و میان اعضا و رهبری اختلاف وجود دارد.

دیدگاه دیگر مسأله‌ی رهبری که درباره‌ی آن بسیار تحقیق شده است، رهبری کارزماتیک است.

نخستین بار، "ماکس وبر" جامعه‌شناس آلمانی، موضوع رهبری کارزماتیک را مطرح نمود.

براساس تحقیقات بسیاری که درباره‌ی موضوع رهبری کارزماتیک انجام شده است، به طور خلاصه ۴ ویژگی برای آن مطرح شده است:

_نتیجه‌ی کار تمام اعضا بیشتر از حد معمول می‌باشد.

_اعضا، اطمینان و اعتبار بسیاری به رهبر خود دارند.

_هم رهبر و هم اعضا برای رسیدن به اهداف مورد نظر از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند و منفعت شخصی خود را فدای منفعت جمعی می‌نمایند.

برای وجود یک رهبر کاریزما در یک سازمان، لازم است که هدفی مشخص

که دلایل این امر را بیاید و برای ایجاد تغییر در شیوه‌های انجام کار و به کار بردن شیوه‌های نو و به تبع آن، فعال نمودن اعضا تلاش نماید و بتواند از تمام توانایی‌های اعضای سازمان به شیوه‌ی مطلوب بهره گیرد.

شیوه‌ی صحیح ارتباطات با اعضاء بخش مهمی از وظیفه و هنر رهبری می‌باشد.

دکتر توماس گوردون که روانشناسی آمریکایی است برای نخستین بار از شیوه‌ی ارتباط و حل مشکلات سخن می‌گوید.

ایجاد روابط مناسب و مطلوب میان رهبر یا رهبری و اعضا، یکی از ویژگی‌های یک رهبر کارآمد است. ویژگی‌های دیگر عبارتند از:

_ایجاد فضایی آزاد که در آن، اعضا و رهبری بتوانند به صورت صادقانه و شفاف با هم تبادل نظر کنند.

_ایجاد فضایی که در آن، هر دو طرف، همدیگر را دلسوز بدانند.

_به یکدیگر وابسته نباشند و بتوانند به صورت مستقل کار کنند.

_آزادی، ابزاری ضروری برای رشد و شکوفایی قدرت خلاقیت انسان‌هاست.

_به هنگام ایجاد مشکل، تلاش شود به شیوه‌ای آن مشکل حل شود که هیچ کدام از طرفین به تنهایی متضرر نگردند.

پژوهشی که درباره‌ی شیوه‌ی رهبری انجام شده است، تفاوت‌ها و پیامدهای ۳ شیوه‌ی رهبری را این‌گونه نشان می‌دهد:

• آکتوریتر که در آن، رهبر به تنهایی تصمیم می‌گیرد و به ندرت با اعضای سازمانش مشورت می‌کند، میان رهبر و اعضا فاصله وجود دارد و تمام جزئیات نیز توسط رهبر تعیین می‌شوند.

تشویق و انتقاد در اکثر موارد به صورت برخورد شخصی انجام می‌گیرد. حاصل این شیوه، انجام شدن کارها در کمترین زمان می‌باشد. در این شیوه اعضا عصبانی، منتقد، بی‌تفاوت و با هم ناسازگارند و با یکدیگر مدارا نمی‌کنند.

• در شیوه‌ی دموکراتیک، اعضا به صورت فعال در طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری

زمان بسیار سریع می‌گذرد. بیست سال از آن حرکت تروریستی و ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. هر ساله مراسم، سمینار و برنامه‌های مختلفی به مناسبت گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهیدان والامقام می‌کنونوس برگزار می‌شود و در رابطه با زندگینامه و مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی این شهیدان گرانقدر و به‌ویژه دکتر صادق شرفکندی در سال‌های حضور آنها در عرصه‌های مختلف مبارزه علیه رژیم ددمنش آخوندی به تفصیل صحبت شده است.

چگونگی انجام این ترور و تأثیرات از دست دادن دکتر سعید بر حزب دمکرات و به طور کلی جنبش ملی کرد و همچنین اهداف جمهوری اسلامی ایران از ترور رهبران حزب، از دیدگاه‌های متفاوتی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است.

با توجه به مطالعه‌ی علمی که درباره‌ی سازمان و نقش رهبری در آن داشته‌ام، در این نوشتار تلاش نموده‌ام که ویژگی‌ها و خصوصیات دکتر سعید را هم به عنوان یک فرد و هم به عنوان یک عضو رهبری حزب، به صورت مختصر به محضر خوانندگان گرامی تقدیم نمایم.

بحث از مسأله‌ی رهبری، بحثی بسیار مفصل است و در این رابطه نیز تحقیقات بسیاری علی‌الخصوص در ۳۰ سال گذشته انجام گرفته است که در این مجال اندک نمی‌توان حتی به صورت مختصر درباره‌ی همه‌ی ابعاد آن صحبت کرد.

از سال ۱۹۵۰ تاکنون، شیوه‌های تعریف رهبری تغییرات بسیاری را به خود دیده است. در سال‌های دهه‌ی ۵۰، رهبری بیشتر از شیوه‌های امر و نهی کردن و رفتار آمرانه استفاده می‌کرد و اعضای سازمان می‌بایستی تنها مجری اوامر می‌بودند. بعدها آگاهی از دانش روابط اجتماعی، به بخشی مهم از ویژگی‌های یک رهبر کارآمد که بتواند هم رئیس باشد و هم رهبر، تبدیل گشت.

اکنون براساس علم رهبری، یک رهبر کارآمد کسی است که به شیوه‌ی دموکراتیک فعالیت نماید و بتواند مردم را پیرامون خود جمع نماید.

زمینه‌ی پرورش سرمایه‌های انسانی سازمان را که همان اعضای سازمان هستند، فراهم نماید و بتواند اعضای سازمان را برای بهتر انجام دادن کارها ترغیب نماید.

"کوتر" (kotter) که پروفیسوری نام‌اشنا در زمینه‌ی دانش مدیریت می‌باشد، می‌گوید که رهبری از سه بخش تشکیل شده است:

۱- تدوین خط‌مشی

۲- گرد هم جمع کردن افراد به منظور رسیدن به یک هدف مشترک

۳- ایجاد انگیزه در مردم

هر مسئولی، رهبر نیست و یکی از تفاوت‌های میان مسئول و رهبر این است که رهبر، تصمیمات صحیح و بجا اتخاذ می‌کند و مسئول، آن‌ها را به درستی اجرا می‌کند.

سازمان نیز به عنوان بخشی از جامعه، لازم است که هنگام با تغییرات در جامعه، پیش برود و خود را با آن‌ها وفق دهد تا بتواند هم مردم را به سوی خود جذب کند و هم اعضای خود را از دست ندهد.

رهبری مدرن ضروریست که همزمان به مطالبات و خواسته‌های اعضای سازمان برای ایجاد تغییرات در سازمان متبوعش گوش فرا دهد و به شیوه‌ای صحیح و مناسب، خواسته‌های آنان را نیز در نظر بگیرد و پاسخگو باشد.

وظیفه‌ی رهبر و رهبری این است که همیشه شیوه‌های مشارکت و چگونگی انجام کارها در سازمان را زیر نظر داشته باشد و میزان فعالیت‌ها را بسنجد. اگر در سازمانی بر پایه‌ی مقتضیات، اعضا فعال نباشند، وظیفه‌ی رهبری آن سازمان است

کنگره‌ی ملی کرد و دلایل به تأخیر افتادن آن

در گفتگو با حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران



در گفتگو با حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران کنگره‌ی ملی کرد که قرار بود در سپتامبر ۲۰۱۳ در شهر اربیل پایتخت اقلیم کردستان برگزار شود، به دلایلی به تأخیر افتاد. در این ارتباط و به منظور بحث و بررسی پیرامون جوانب مختلف برگزاری کنگره و دلایل به تأخیر افتادن آن، با آقای حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و عضو کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره‌ی ملی کرد گفتگویی ترتیب داده‌ایم که متن آن به شرح ذیل می‌باشد.

کردستان: اهمیت برگزاری کنگره‌ی ملی کرد در این برهه از زمان چیست؟
حسن شرفی: نزدیکی جریان‌های مختلف سیاسی و هم‌نوایی و پشتیبانی هر بخش از کردستان از مبارزه و حقوق ملت کرد در بخش‌های دیگر کردستان، همچنین اتحاد و همکاری میان نیروهای سیاسی کرد در هر بخش از کردستان، از مدت‌ها پیش برای مبارزه‌ی آزادیخواهانه و ملی کرد ضروری بوده که متأسفانه کمتر تحقق یافته است و به شیوه‌ی مناسب آن، مبارزه‌ی ملی و همه‌گیر کرد مهم تلقی نشده است. این در حالیست که حکومت‌های مسلط بر هر کدام از بخش‌های کردستان، علیرغم تمام اختلافات و مشکلاتی که با یکدیگر دارند، همیشه در رابطه با مسأله‌ی کرد در منطقه متحد بوده و توطئه‌های مشترکی را علیه ملت کرد طرح‌ریزی نموده و در سرکوب ملت کرد با یکدیگر همکاری نموده‌اند.

اگر ضرورت اتحاد و همکاری و هم‌نوایی کردها در هر بخش برای بخش‌های دیگر همیشه وجود داشته و کمابیش در برخی مواقع ممکن است بارزتر بوده باشد، اما هرگز در حد نیاز و ضرورت و به طور مؤثر در میان نبوده است، اما اکنون با در نظر گرفتن اهمیت مسأله‌ی کرد در همه‌ی بخش‌های کردستان و تغییرات و شرایطی که در منطقه به وجود

آمده یا خواهد آمد، ضروری می‌نماید که ملت کرد به شیوه‌ای جدید این مسأله‌ی حیاتی را مد نظر قرار دهد و این مسأله را شرط لازم برای موفقیت ملت کرد و رشد و گسترش مبارزه ملی کردها در بخش‌های چهارگانه کردستان بداند.

به همین دلیل، مطرح شدن برگزاری کنگره‌ی ملی کرد به شیوه‌ای جدی و برای نخستین بار که در این راستا گام بردارد، امری ضروری و سودمند و در حقیقت آرزوی دیرین فرزندان ملت کرد می‌باشد و می‌بایستی اهمیت فوق‌العاده‌ی آن مد نظر قرار داده شود.

کردستان: در صورت امکان، درباره‌ی کمیته‌ها و کمیسیون‌های هیأت

برگزارکننده توضیح بفرمائید و به عقیده شما، دستاوردهای این کمیته‌ها و کمیسیون‌ها تاکنون چه بوده‌اند؟

حسن شرفی: پس از گردهمایی بزرگ روز دوشنبه ۳۱ تیرماه که به ابتکار رهبر اقلیم کردستان برگزار شد و در آن نشست، پیشنهاد تشکیل کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره که متشکل از ۲۱ نفر و از بخش‌های چهارگانه کردستان می‌باشد، مطرح گردید، این کمیته آغاز به کار کرد و تاکنون ۸ کمیسیون در رابطه با مسائل مختلف مرتبط با جامعه‌ی کرد و مبارزه‌ی ملی کرد تشکیل داد که در این کمیسیون‌ها علیرغم حضور یک یا دو

عضو کمیته برگزارکننده‌ی کنگره در آن‌ها، از گروهی از متخصصین و آگاهان به هر کدام از آن مسائل و موضوعات استفاده از آن مسائل و موضوعات استفاده است و در هر یک از این کمیسیون‌ها، چند طرح و گزارش آماده شد که پس از بحث و بررسی و مشورت در رابطه با هر کدام از آن‌ها، برای هر کمیسیون طرحی واحد و گزارشی که مورد پسند اعضای کمیسیون باشد، تصویب شد. گزارش‌ها به کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره تحویل داده شدند و پس از بحث و تبادل نظر درباره‌ی هر کدام از گزارش‌ها، با تغییراتی به تصویب رسیدند.

البته کار دو کمیسیون هنوز به اتمام نرسیده است و در چند روز آینده، گزارش‌های آن دو کمیسیون نیز پس از بررسی، تصویب خواهد شد. کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره‌ی ملی کرد به غیر از کار کمیسیون‌ها، شعارهای کنگره و تعداد مهمانان خارجی که ۳۰۰ نفر خواهند بود و همچنین تعداد شرکت‌کنندگان کرد در بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان را که ۶۰۰ نفر می‌باشند، نیز تعیین نموده است، اما در همین رابطه سهم هر یک از بخش‌های چهارگانه کردستان از ۶۰۰ نفر تعیین شده، هنوز مشخص نشده است.

به نظر من به عنوان یکی از اعضای ۲۱ نفره‌ی کمیته‌ی برگزارکننده‌ی که در مدت ۴۵ روز گذشته از نزدیک با کمیسیون‌ها و حتی اعضای کمیسیون سیاسی و دیپلماسی در ارتباط بوده و شاهد زحمات و تلاش‌های تمام اعضای کمیسیون‌های مختلف بوده‌ام که بایستی زحمات آنان را ارج نهاد، این تلاش‌ها پیامدهای مطلوبی در پی خواهند داشت. از گزارش‌های آماده شده‌ی مربوط به کار اعضای کمیسیون‌ها آگاهی دارم و به‌ویژه به نتیجه رسیدن کار کمیسیون‌ها و علی‌الخصوص کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره‌ی ملی کرد بدون مشکل نبوده است و این نیز طبیعی است زیرا دیدگاه‌های

احزاب و جریان‌های سیاسی در بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان و شرایط و مقتضیات مبارزه‌ی آن‌ها در هر بخش به طور کامل مانند یکدیگر نیست و اینکه برای نخستین بار نمایندگان ملت کرد در بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان به منظور تشکیل کنگره‌ی ملی که در بردارنده‌ی یک پیام مشترک باشد و تمام جنبه‌های مبارزه در بخش از کردستان را در نظر بگیرد، می‌تواند طبیعی بودن این امر را توجیه کند.

کردستان: دلیل به تأخیر افتادن

برگزاری کنگره‌ی ملی کرد چیست؟

حسن شرفی: به تأخیر افتادن برگزاری کنگره‌ی ملی کرد از سوی کمیته‌ی برگزارکننده، به دو دلیل اصلی می‌باشد:

نخست اینکه کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره در مدت ۴۵ روز، هر چند قسمت اعظم کارهای مربوط به برگزاری کنگره را به انجام رساند، اما بخش اساسی، بحث‌برانگیز و مناقشه برانگیزتری وجود داشت که در مدت ۱۰-۱۲ روز باقی‌مانده به زمان برگزاری کنگره، امکان به نتیجه رسیدن آن وجود نداشت. علاوه بر آن، زمان نیز مناسب نبود، زیرا برگزاری کنگره‌ی ملی نیازمند وجود شرایط و روابطی سالم و مناسب و یا حداقل عادی میان احزاب و جریان‌های سیاسی می‌باشد که هم‌زمان با آن، مبارزات انتخاباتی نمایندگان پارلمان اقلیم کردستان آغاز شد که رقابت میان احزاب و جریان‌های سیاسی کردستان عراق را به دنبال داشت که این شرایط هر چند در رابطه با برگزاری انتخابات و فضای انتخاباتی، امری عادی و قانونی است اما برای برگزاری کنگره‌ی ملی کرد، فضای مناسبی نمی‌باشد. بنابراین با توجه به دلایل ذکر شده، به منظور انجام هرچه بهتر و مطلوبتر کارهای کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره و نیز برای ایجاد فضای مناسب و لازم جهت برگزاری کنگره، کمیته‌ی برگزارکننده‌ی کنگره‌ی ملی کرد به تأخیر افتادن برگزاری کنگره را به مصلحت دانست.



قربانی این نزاع می‌شوند و هیچ کس هم صدای آنان را نمی‌شنود.

که برنده چه کسی است، معلوم نیست، ولی بازنده بدون شک مردمانی هستند که روزانه

قدرت‌های جهانی نیز هر کدام جریان وابسته به خویش را تقویت می‌کنند. این

۱۱ سپتامبر بعد از ۱۲ سال

کیهان یوسفی

۱۲ سال از حمله به برج‌های مرکز تجارت جهانی و مقر پنتاگون در نیویورک می‌گذرد. حملاتی که به کشته شدن ۳۰۰۰ نفر انجامید.

در نگاهی به تاریخ تروریسم در نیم قرن اخیر، ۱۱ سپتامبر دارای جایگاه ویژه‌ای به عنوان یک نقطه‌ی عطف در تاریخ تروریسم جهانی است. بعد از این واقعه، آمریکا به همراه متحدانش بسیج می‌شوند تا تروریسم را ریشه‌کن کنند. تلاشی که نه تنها تاکنون نتوانسته است توفیقی بدست آورد، بلکه دایره‌ی اقدامات تروریستی و وسیعتر شده و گروه‌های تروریستی توانسته‌اند حوزه‌ی فعالیت‌های خویش را گسترش و شمار پایگاه‌هایشان را افزایش دهند.

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر باعث گردید که جهان غرب در برابر گفتمانی به نام رادیکالیسم اسلامی سنی قرار گیرد که القاعده آن را رهبری می‌نمود و در رأس آن بن لادن قرار داشت، رادیکالیسمی که آغاز قدرت گرفتنش نیز با سیاست‌های منطقه‌ای غرب همسو بود. سال ۱۹۷۹ میلادی در تاریخچه‌ی تروریسم جهانی همچون ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ مهم است. سالی که آغاز زایش دو جریان تروریستی بود. رادیکالیسم

اسلامی سنی در افغانستان که مجاهدین افغان برای مقابله با یورش شوروی و کمونیسم، به کمک غرب به اشاعه و تقویت آن پرداختند و اسلامیست‌های سنی از سراسر جهان اسلام به این منطقه سرازیر شدند و از دیگرسو، بر سر کار آمدن رادیکالیسم اسلامی شیعی در پی انقلاب ایران که ماحصل آن ظهور جریاناتی تروریستی در منطقه همچون حزب الله و .. گردید. در واقع این دو جریان که هر دو به صورت مستقیم و غیرمستقیم از جانب غرب هدایت می‌شدند، کمربند محکمی برای مقابله با کمونیسم و توسعه‌ی قلمرو دولت شوراهای بودند.

رادیکالیسم سنی که زمانی آمریکا خود با کمک‌های مالی عربستان و کمک لجستیکی پاکستان در افغانستان آن را تقویت نموده بود، در ۱۱ سپتامبر نوک حملات آن شهروندان و خود این کشور را نشانه گرفت.

این جنگ هنوز هم ادامه دارد. جنگی که هم اکنون به معادله‌ای بسیار پیچیده تبدیل شده و مهره‌های آن اسلامیست‌های تندرو و گردانندگان آن قدرت‌های جهانی هستند. نقطه‌ی تقابل این جنگ هم اکنون در سوریه مشهود است. هرکدام با نام اسلام در صدد نابودی طرف دیگر است.

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

فاتح صالحی

نرمش قهرمانانه؟

نرمش قهرمانانه که در این روزها به بحث مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی بدل گردیده اصطلاحی است که علی خامنه‌ای، رهبر رژیم، هفته‌ی گذشته و در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران آن را به زبان آورد و پس از نطق نامبرده بحث‌ها و نظرات متفاوتی را به دنبال داشت.

افرادی که در دایره‌ی رژیم و به ویژه شخص خامنه‌ای هستند به گونه‌ای این بحث را مطرح کردند که یادآور صلح امام حسن بوده و حتی بعضی‌ها آن را با صلح حدیبیه مقایسه نمودند و آن را همچون آغاز پیروزی‌های بزرگ قلمداد می‌کنند.

بر این مبنا نرمش قهرمانانه نه تنها نماد عقب‌نشینی نیست، بلکه سرآغازی برای سلطه بر جهان است و برای توجیه این گفته‌ی علی خامنه‌ای، حتی حدیث‌های نبوی را نیز تحریف کرده‌اند و کسانی را که دارای دیدگاه متفاوتی هستند، به کفر و نادانی متهم می‌کنند.

اما به راستی به‌کارگیری چنین اصطلاحی در اوضاع کنونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و شرایطی که در منطقه، به ویژه در سوریه حکمفرماست، می‌تواند در بردارنده‌ی چه پیامی باشد؟ برای همگان واضح و مبرهن است که اوضاع سیاسی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی ایران در بدترین وضع موجود است و بر این اساس دور از انتظار نبود که مسئولان بلندپایه‌ی رژیم در قبال بسیاری از خواست‌ها و مطالبات خویش در حال حاضر عقب‌نشینی کنند.

این گفته‌ی خامنه‌ای و به میان آوردن سیاست لیخند و گفتگو یادآور روی کار آمدن خاتمی در ۱۶ سال گذشته بود. یعنی زمانی که اقتصاد ایران راکد بود و سیاست خارجی رژیم هم به سبب تروهای داخلی و خارجی به بن‌بست رسیده بود.

در آن زمان خاتمی با سیاست لیخند و گفتگوی تمدن‌ها رئیس‌جمهور شد و تا توانست افکار عمومی را در داخل و خارج از مرزهای ایران به بیراهه کشاند.

حال نیز با درنظر گرفتن اوضاع کنونی رژیم و روی کار آمدن روحانی که او نیز همچون خاتمی از سیاست لیخند و مذاکره پیروی می‌کند، در صدد هستند برای مدت زمان دیگری حاکمیت خویش را طولانی‌تر کنند و برای رسیدن به اهدافشان و از همه مهمتر برای نیل به اهداف اتمی خویش زمان بخرند و یک‌بار دیگر با فریب و نیرنگ افکار عمومی را به بیراهه بکشاند و گر نه همگان واقفند که استفاده از چنین عباراتی و نرمش در برابر غرب در این مقطع زمانی شکست دیگری برای دستگاه دیپلماسی رژیم در عرصه‌ی خارجی و فرصتی برای خریدن زمان و وقت‌کشی‌های مسئولان رژیم است.

ایدز، یک بیماری کشنده نیست

که بیماری ایدز به عنوان یک بیماری کشنده شناخته می‌شد، سپری شده است و داروهایی که اکنون وجود دارند و کشورها به صورت رایگان در اختیار مبتلایان قرار می‌دهند، بر کاهش میزان مرگ و میر ناشی از ابتلا به این بیماری تأثیر بسزایی داشته است، هرچند هنوز ایدز به عنوان یک بیماری خطرناک قلمداد می‌شود. وی همچنین گفت: "دلایل و عوامل ابتلا به ایدز بسیارند، از جمله اقدام به مسائل جنسی به‌ویژه انحرافات جنسی و همچنین مصرف مواد مخدر". وی افزود: "تحقیقات مشخص نموده‌اند که در کشورهای مصر، سودان و یم مهم‌ترین عامل ابتلا به بیماری ایدز، مسائل جنسی می‌باشد و ۱۲ درصد مصرف کنندگان مواد مخدر نیز به این بیماری مبتلا می‌شوند".

دکتر هند خطیب، مدیر منطقه‌ای برنامه‌ی سازمان ملل متحد برای مبارزه با ایدز در خاورمیانه گفت: "اکنون بیماری ایدز، یک بیماری کشنده نیست و جهان گام‌های مؤثر و چشمگیری برای مبارزه با آن برداشته است".

وی افزود: "اکنون تلاش‌هایمان را بر روی قاره‌ی آفریقا که بیشترین آمار مبتلایان به ایدز را در خود دارد، متمرکز نموده‌ایم و هدف اصلی برنامه‌ی ما محدود نمودن انتشار ایدز می‌باشد".

خطیبی اظهار داشت: "کشورهایی که بر روی آنها کار می‌کنیم، ویژگی‌های خاص خود را دارند و آماری را که کشورها در اختیار ما قرار می‌دهند، دقیق نیست و برخی کشورها واقعیت را بیان نمی‌کنند".

این مسئول un افزود آن زمانی

رنگ کردن موی سر خطرناک است

دست داده بود. اغلب متخصصان بر این باورند که وجود نوعی ترکیب به نام بی فنیلیدامین در این رنگ مو، دلیل این بیهوشی است. این ترکیب در ۹۰ درصد تمامی انواع رنگ مو مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی در برخی از مواد آرایشی، پارچه و کاغذ نیز به کار می‌رود و استعمال آن درچندین ماده‌ی آرایشی ممنوع شده است.

این ترکیب که از آن با نام بی‌بی‌دی یاد می‌شود و دارای قدرت شدیدی در تغییر رنگ موهاست، تاکنون بی‌رقیب بوده و ناظران شرکت‌ها می‌گویند هنوز نتوانسته‌اند جایگزینی برای آن بیابند.

وضعیت نامناسب یک زن انگلیسی، در رابطه با خطرات استفاده از مصرف رنگ مو سؤالات بسیاری را در این زمینه مطرح نمود، زیرا این زن در معرض خطر مرگ قرار دارد. این زن انگلیسی ۳۸ ساله پس از استعمال نوعی رنگ مو از محصولات شرکت معروف لوریال دچار وضعیت بیهوشی شده است. پزشکان می‌گویند: "شانس زنده ماندن او ۸ درصد و شانس بهبود وی معادل صفر درصد است".

وضع این زن جدیدترین موردی است که در کانون بحث روزنامه‌ها قرار گرفته است. پیشتر یک زن جوان انگلیسی ۲۰ دقیقه پس از استعمال نوعی رنگ مو شدیداً بیهوش شده و جان خود را از

فیسبوک احساس خوشبختی را کاهش می‌دهد

نتایج یک پژوهش آمریکایی نشان می‌دهد که سایت فیسبوک در ایجاد اختلالات مزاجی و کاهش احساس خوشبختی در نزد افراد تأثیرگذار است.

پژوهش مورد نظر بر تأثیر چشم و احساس در قبال نیروی روابط اجتماعی و عدم ورود به جهان بیرون از جسم تأکید نموده است.

پژوهش دانشگاه میشیگان نشان داده است که فیسبوک ارتباط مستقیمی با اختلالات عقلی در انسان‌ها دارد. این پژوهش که از سوی روانشناسان آمریکایی انجام گرفت، آشکار نموده است که کاربری این شبکه همزمان با کاهش احساس خوشبختی و ایجاد حس دلنگی است.

دانشمندان می‌گویند، این شبکه احساسات مثبت را به منفی تبدیل می‌کند و هنگامی که کاربر صفحات دوستانش را مشاهده می‌کند، با دیدن آمار لایک‌ها و کامنت‌ها، دلنگی بر او غلبه نموده و احساس ناامیدی در او رسوخ می‌کند.

